

منافع ملی و سیاست خارجی ایران؛ رویکرد اقتصادی

دکتر ابراهیم رزاقی

عضو هیأت علمی دانشگاه

مجله مطالعات راهبردی • سال چهارم • شماره اول دوم • بهار و تابستان ۱۳۸۰ • شماره مسلسل ۱۱ و ۱۲

مقدمه

این مسأله را می‌توان در سه بخش مطرح کرد:

اول: تعریف منافع ملی و ابعاد آن

دوم: ویژگیهای عمده اقتصادی ایران که ما براساس آن بر منافع ملی تأکید می‌ورزیم؛

سوم: اگر قصد تطبیق سیاست خارجی کشورمان با منابع ملی را داشتیم، از این دید چه

کارهایی را می‌بایست انجام می‌دادیم؟ آیا ما این ملاحظات را در اقتصاد کشورمان انجام داده‌ایم یا نه؟

الف - چیستی منافع ملی

به نظر می‌آید، منافع ملی اصولی‌ترین منافع یک ملت است، یعنی منافی که بدون رعایت آنها بقا ممکن نیست، منافی چون حفظ یکپارچگی ملی، حفظ استقلال ملی، بقا و تداوم یک ملت؛ همین طور داشتن اقتصادی که توانایی عرض اندام در هر دوره از زمان را داشته و قابل مقایسه با دیگر کشورها هم باشد و منافع ملی از طریق آن تأمین شود. نکته دیگری که باید بر آن تأکید کرد و منافع ملی هر شهروندی را در برمی‌گیرد امنیت است؛ همه کسانی که در ایران زندگی می‌کنند، در چارچوب منافع قرار دارند. با در نظر گرفتن چنین مسأله‌ای، صرف‌نظر از عقاید و آداب و سنن، این افراد چون در ایران هستند منافع ملی به شمار می‌روند؛ چه بسا در ایران هم نبوده، ولی به ایران علاقه‌مند هستند و می‌توانند در چارچوب منافع ملی ما قرار بگیرند. همچنین در این میان منافع دیگری نیز همانند منافع فردی، جناحی، طبقاتی و غیره وجود دارند که باید گفت تأمین هر کدام از اینها بدون توجه به منافع ملی، نتیجه‌ای جز خدشه‌دار شدن منافع ملی دربر نخواهد داشت. یعنی

برخلاف تصور مکتب کلاسیکها و نوکلاسیکها که با اعتقاد به لیبرالیسم، منافع شخصی را از طریق منافع ملی تأمین شدنی می‌داند، براساس باور آدام اسمیت، در قرن هیجدهم اگر افراد دنبال منافع خصوصی خود بروند، منافع ملی نیز تأمین خواهد شد ولی چنین شرایطی در کشورهای جهان سوم از جمله ایران نیست که بتوانیم آن نظریه را علیرغم طرفداران زیادش، عملی بدانیم. من با دانشمندانی همانند فريدركليس موافقم که نظر به این دارند که منافع ملی از طریق منافع خصوصی معلوم نیست که تأمین شود و بسته به شرایط خاصی می‌باشد که اگر آن شرایط وجود نداشته باشد تأمین نخواهد شد؛ بسا اوقات هست که کسی دنبال منفعت خودش می‌رود ولی منفعت ملی فراموش می‌شود. برای پرداختن به چگونگی انطباق سیاست خارجی ایران با منافع ملی و نقشی که اقتصاد در آن می‌تواند داشته باشد، بی‌مناسبت نیست که به ویژگیهای اقتصادی ایران اشاره‌ای بشود:

۱) عمده‌ترین آنها عبارتند از این که اقتصاد ایران، اقتصادی تک محصولی می‌باشد، اقتصادی که وابسته به نفت است. زمانی (حدود ۷۰ تا ۸۰ سال پیش)، ۵ تا ۶ هزار تن نفت صادر می‌کردیم؛ گاهی نیز سالی ۳۰۰ - ۲۰۰ میلیون تن صادرات داشته‌ایم؛ اکنون چیزی حدود ۱۳۰ - ۱۲۰ میلیون تن صادر می‌کنیم و این از آن روی رو به کاستی بوده که سرمایه‌گذاری اندک بوده و نیز منابع رو به پایان است.

۲) دومین ویژگی، رشد نیافتگی تولید در ایران است، که به دلیل برخورداری از واردات بسیار بالا و درآمدهای نفتی که بعضی از سالها سر به ۲۰ میلیارد دلار می‌زده، تولید جز به اندازه تأمین بخشی از نیاز داخلی افزایش پیدا نکرده است. پس دومین ویژگی، واردات بسیار بالای کالاها و خدمات می‌باشد.

باید سالهای ۷۱-۷۰ را در اقتصاد ایران بی‌نظیر تلقی کرد که هر سال چیزی معادل ۳۰ میلیارد دلار واردات داشته‌ایم. صادرات غیر نفتی ما همواره بسیار ناتوان بوده است مثلاً در برنامه پنجم قبل از انقلاب که چیزی حدود ۹۰-۸۰ میلیارد دلار هزینه شده بود، فقط دو میلیارد دلار از صادرات کشور غیر نفتی بوده است، در برنامه اول پس از انقلاب هم ۱۱ میلیارد دلار صادرات، غیر نفتی بوده در صورتی که ۱۰۰-۹۹ میلیارد دلار ما واردات داشته‌ایم، که با افزودن خدمات بر آن، سر به ۱۲۰ میلیارد دلار می‌زند که نشان از بهتر شدن وضع دارد. نکته دیگری که می‌شود گفت بی‌توجهی به کشاورزی و خالی شدن چیزی حدود ۵۰/۰۰۰ روستا در ایران و کوچ آنها به شهرهاست. از جمله مسایل دیگر پدید آمدن شکاف طبقاتی شدید میان دو گروه دارندگان امکانات و ندارهاست؛ به گونه‌ای که چیزی حدود ۵۰٪ درآمد ملی به ۲۰٪ می‌رسد. حدود ۴۸ درصد درآمد ملی را نیز ۷۰ درصد از مردم به دست می‌آورند، در صورتی که ۱۰ درصد فقیرترین اقشار فقط

چیزی حدود ۲ تا ۳ درصد، که نشان از اختلاف بسیار عظیمی دارد. چیزی که موجب توسعه هر کشوری می‌شود وجود یک طبقه سیاسی - اقتصادی است، طبقه‌ای که منافع خود را به خوبی تشخیص بدهد و به این منافع در چارچوب منافع ملی بنگرد که این خود موجب ثبات سیاسی می‌گردد. در تمام کشورهای توسعه یافته چنین بوده است که یک طبقه‌ای روی کارآمده و با تشخیص درست منافع خود، گام به سوی تأمین منافع ملی برداشته است. در کشور ایران متأسفانه همواره دست بالا را سرمایه‌دار تجاری داشته است. غیر از سالهای ۴۷-۱۳۴۶ که محدودیت‌هایی برای طبقه سرمایه‌داری تجاری در ایران به وجود آمد این طبقه همواره در قدرت بوده‌اند. بعد از انقلاب این طبقه به شدت رشد کرده و از ۴۰۰ هزار نفر به ۲ میلیون نفر رسیده‌اند و سرمایه ۲۰۰ هزار میلیاردی بخش خصوصی در انحصار آنهاست. ولی متأسفانه با آن که این طبقه برخوردار از تشکیلات سیاسی و نیز متشکل‌ترین گروه اقتصادی کشور هستند و در تصمیم‌سازی و فضا سازی اقتصادی - سیاسی دخالت اساسی دارند ولی از آگاهی طبقاتی بی‌بهره‌اند یعنی توجه کردن به منافع طبقاتی و کنار گذاشتن منافع فردی به نفع آن.

به نظر می‌آید در ایران و در جهان سوم هنوز آگاهی طبقاتی پدیدار نشده است، از این‌رو عملکرد این طبقات صاحب قدرت، هم به زیان منافع طبقاتی و مشروعیت آن و هم به ضرر منافع ملی تمام می‌شود.

ب - ویژگیهای اقتصادی - سیاسی ایران

نکته اول: قشر تولیدکننده در ایران به دلیل وجود طبقه تاجر، هر روز ضعیف‌تر می‌شود، چرا که تشکّل ندارد، منافع طبقاتی خود را نمی‌داند، کوشش در جلب نیروهای فکری و فن‌سالار انجام نمی‌دهد و هزینه را هم برای این امور نمی‌پردازد. برعکس عموماً در جهتی که خود به یک تاجر بدل گردد گام برمی‌دارد، برخلاف روند جهانی کشورهای توسعه یافته که از تجارت به سوی صنعت رفتند، این جا صنعتگران به تجارت پیشگی می‌گروند چرا که سود تجارت ۲۰٪ است و سود صنعت ۲۰٪ که این امر در مورد کشاورزی هم صادق است.

نکته دوم: به دلیل نبود یا کمبود اطلاعات، بخش تولیدی ایران و سرمایه‌ها رو به سوی خارج دارد؛ تحت عنوانی همچون نبود امنیت و تضمین نشدن منافع در داخل و همانند آن؛ که این بی‌ثباتی در تمامی فرآیندهای تولیدی اثر ناگوار خود را برجای می‌گذارد.

نکته دیگر، به مصرف‌کنندگان ایرانی برمی‌گردد که بدون در نظر گرفتن منافع ملی گرایش و علاقه‌ای شدید به مصرف کالاهای خارجی دارند؛ در واقع مصرف کالاهای خارجی و باور به کیفیت آن به یک فرهنگ عمومی تبدیل شده است.

ج- منافع ملی و سیاست خارجی

برای منعکس ساختن منافع ملی در سیاستگذاری خارجی چه باید کرد؟ چنان که گفته شد، منافع ملی در موارد خاصی بروز و ظهور می‌یابد، برای مثال در مسأله‌ای چون حمله عراق به ایران منافع ملی به صورتی عمده خود را نشان داد (موضوع بقا)، ولی در این باره که ایران عملاً در اشغال کالای غربی است هیچ واکنشی نشان نمی‌دهیم؛ یا دانشگاه‌های ما در تسلط علوم غربی است و هیچ‌گونه تولیدی در پهنه علم نداریم، هیچ کس ناخرسند نیست.

نتیجه‌گیری

در مجموع باید گفت که برای انعکاس منافع ملی در سیاست خارجی:

- ۱- سیاست خارجی باید به گونه‌ای باشد که بتواند کمک‌ساز تغییر ساختار تجاری ایران باشد، یعنی تمام سفارتخانه‌ها و نمایندگی‌های ایران باید در بازاریابی برای تولیدکننده ایرانی بکوشند و به جای وارد کردن مواد مصرفی، ماشین‌آلات و مواد واسطه وارد شود و یا اگر مجبور به واردات کالا هستند بهترین کالا را با کمترین هزینه وارد کنند.
- ۲- یکی از مشکلات ما کمبود «اطلاع» در مورد توسعه به معنی توسعه درون‌زا در کشور می‌باشد. هم در دانشگاه‌ها، هم در مطبوعات و هم برای مسئولان ما و نمایندگی‌های ایران جمع‌آوری اطلاعات مربوط به توسعه درون‌زای کشورهای جهان سوم و کشورهای توسعه یافته، یکی از وظایف مهم باید باشد.
- ۳- ما برای توسعه اقتصادی خودمان علاوه بر کشورهای که به ما کالا می‌فروشند و از ما کالا می‌خرند، نیاز به این داریم که در حوزه‌های جغرافیایی خودمان، کشورهای همسایه و حوزه تمدن ایرانی که چیزی حدود ۶۰۰۰ تا ۷۰۰۰ سال سابقه دارد فعال عمل کنیم. ولی به ترتیب اولویتی که گفته شده، منافع ملی، حوزه تمدن ایرانی، حوزه تمدن اسلامی، امکانات، نقاط ضعف، نقاط مشترکمان با آنها و چگونگی فعالیت مشترک، همگی باید شناسایی شوند.
- ۴- شناسایی ایرانیان و خارجیانی که به بازاریابی کالاهای ایرانی در خارج اقدام می‌کنند؛ باید سیاست خارجی ایران طوری باشد که؛ کسانی که به هر نحوی به قلب در فروش کالاهای ایران سرگرم هستند و بدین طریق منافع ملی را زیر پا می‌گذارند، برخوردهای جدی و روشمندانانه شود.
- ۵- صادرکنندگان خارجی به ایران باید شناسایی شوند و این وظیفه سیاستگذاران خارجی ماست، که چگونه کالاهایی صادر کنند کجاها تقبل بوده و کجاها کلاهبرداری بوده است. چه کسانی به ما تکنولوژی می‌دهند، چه کسانی نمی‌دهند، سابقه اینها را داشته باشیم و در ارتباطات سیاسی - اقتصادی به این عوامل توجه کنیم.

۶- ایرانیان مقیم در خارج از لحاظ منافع ملی نیروهای بسیار ارزشمندی به شمار می‌روند؛ بخش اعظمی از اینها ایران را دوست دارند، ممکن است با نظام سیاسی چندان موافق نباشند ولی منافع ملی ایران را به معنایی که گفتیم در نظر دارند. جلب حمایت اینها و حداقل بهره‌گیری از آنان در انعکاس مطلوب مسائل ایران در جهان به نفع ایران و جذب سرمایه‌های آنان به داخل، بسیار سودمند خواهد بود.

۷- باید برای فرار عظیم سرمایه از کشور، چه فرار سرمایه‌های سخت‌افزاری و چه نرم‌افزاری چاره‌ای اساسی اندیشیده شود.

۸- ما به دلیل آن که کشوری توسعه نیافته بوده و از قومیت‌های مختلف، تنوع فرهنگی و جغرافیایی برخورداریم، نسبت به تنش‌زدایی در روابط با همسایگان و همزیستی مسالمت‌آمیز، باید اهتمام بورزیم.

منافع ملی ما باید به گونه‌ای باشد که با منافع دیگر ملل در تعارض نیافتد، به خصوص آنهایی که در حوزه تمدن ایران هستند؛ چرا که واقعیت جهان امروز آنست که تأمین منافع ملی هیچ کشوری بدون عنایت به منافع ملی دیگران و رعایت قواعد نظام بین‌الملل ممکن نیست.



پښتونستان د علومو او انساني مطالعاتو فریښی
پرتال جامع علومو انسانی